

حياة الأنبياء صلوات
الله عليهم بعد
وفاتهم

تأليف: الإمام الحافظ المصنف
أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي بن موسى البصري

حيات پیامبران بعد از وفاتشان
مترجم: مجاهد دین غفره الله

عنوان کتاب:	حیات پیامبران بعد از وفاتشان
عنوان اصلی:	حياة الأنبياء صلوات الله عليهم بعد وفاتهم
نویسنده:	أبي بكر أحمد بن الحسين البيهقي
مترجم:	مجاهد دين
نوبت انتشار:	اول (ديجيتال)
تاريخ انتشار:	۳ مهر ۱۳۹۷ هـ. ش - ۱۵ محرم ۱۴۴۰ هـ. ق
منبع:	www.islamsj.blogspot.com

این کتاب از سایت مجاهد دين دانلود شده است

www.islamsj.blogspot.com

حيات پیامبران بعد از وفاتشان

نویسنده:

أبي بكر أحمد بن الحسين البيهقي

مترجم:

مجاهد دين

مقدمه مترجم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه ومن والاه،

اما بعد:

این کتاب، ترجمه فارسی کتاب: «حياة الأنبياء صلوات الله عليهم بعد وفاتهم» از امام ابو بکر احمد بن الحسين البیهقی (متوفای ۴۵۸ هجری قمری) است و در این کتاب، ۲۰ حدیث را با اسناد خودش درباره حیات پیامبران بعد از وفاتشان تخریج کرده است و بخاطر مختصر و مفید بودن آن، آن را ترجمه کردم و از خداوند متعال خواهانم که آن را خالصانه بپذیرد و آن را صدقه جاریه‌ای قرار دهد؛ اللهم آمین.

امام الحرمین الجوینی رَحِمَهُ اللهُ درباره امام البیهقی می‌گوید: «ما من شافعی إلا وللشافعی فضل علیه غیر البیهقی، فإن له المنّة والفضل علی الشافعی لکثرة تصانیفه فی نصره مذهبه وبسط موجزه وتأیید آرائه».

ترجمه: «هیچ شافعی مذهبی نیست مگر اینکه امام الشافعی بر او برتری دارد مگر البیهقی نباشد، چون بخاطر کثرت تصنیفاتش در نصرت مذهب امام الشافعی و تفصیل دادن مختصراتش و تأیید آرایش، مَنّت و برتری بر امام شافعی دارد».^۱

و امام الذهبی رَحِمَهُ اللهُ درباره امام البیهقی می‌گوید: «لو شاء البیهقی أن يعمل لنفسه مذهبا یجتهد فیہ لکان قادرا علی ذلك لسعة علومه ومعرفته بالاختلاف».

ترجمه: «اگر البیهقی می‌خواست که برای خودش مذهبی ایجاد کند و در آن اجتهاد کند، بی‌گمان بخاطر وسعت علومش و آگاهی‌اش به اختلافات، می‌توانست چنین کاری بکند».^۱

و شیخ الإسلام ابن تیمیہ رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ درباره امام البیهقی می‌گوید: «له اجتهاد في كثير من المسائل».

ترجمه: «بیهقی در بسیاری از مسائل اجتهاد داشت».^۲

و ابن کثیر رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ درباره امام البیهقی می‌گوید: «كان أوحـد زمانه في الإتيان والحفظ والفقه والتصنيف، كان محدثاً أصولياً».

ترجمه: «یگانه روزگار خودش در استواری و حفظ و فقه و تصنیف بود، او محدثی اصولی بود».^۳

الله متعال همه ما را قرین رحمت خودش گرداند و ما را با پیامبران و صدیقان شهدا و صالحان محشور گرداند. آمین والحمد لله رب العالمین.

مجاهد دین

۱۳۹۷/۷/۳ شمسی.

۱- سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸ ص ۱۶۹.

۲- مجموع الفتاوی، ج ۲۰ ص ۴۱.

۳- البداية والنهاية، ج ۱۲ ص ۱۰۲.

متن کتاب

شیخ امام، زین الإسلام ابو نصر عبد الرحیم بن عبد الکریم بن هوازن القریشی رحمته الله در نامه‌ای که از نیشابور به ما نوشت به ما خبر داد گفت: شیخ امام ابو بکر احمد بن الحسین البیهقی رحمته الله روخوانی می‌کرد و من از او می‌شنیدم در ربیع الآخر سال ۴۴۵ هجری.

و شیخ امام حافظ ابو بکر محمد بن عبد الله بن حبیب العامری ایده الله گفت: شیخ القضاة ابو علی اسماعیل بن احمد بن الحسین البیهقی از آنچه که بر او قرائت شده بود خبر داد گفت: امام، پدرم، شیخ السنه رحمته الله گفت:

سپاس برای پروردگار جهانیان و عاقبت از آن متقیان است و صلواتش بر سرورمان محمد و آل او باد اجمعین.

ذکر آنچه که دربارهٔ حیات پیامبران صلوات الله علیهم بعد از وفاتشان روایت شده است:

۱- ابو سعید احمد بن محمد بن الخلیل الصوفی رحمته الله به ما خبر داد گفت: ابو احمد عبد الله بن عدی الحافظ به ما خبر داد گفت: قسطنطین بن عبد الله الرومی ذکر کرد گفت: الحسین بن عرفه ذکر کرد گفت: الحسن بن قتیبه المدائنی برایم تعریف کرد، المستلم بن سعید السقفی از الحجاج بن الأسود از ثابت البنانی از انس رضی الله عنه ذکر کرد گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الْأَنْبِيَاءُ أَحْيَاءُ فِي قُبُورِهِمْ يُصَلُّونَ»؛ «پیامبران زنده هستند در قبرهایشان نماز می‌خوانند».

این حدیث از افراد الحسن بن قتیبه المدائنی برشمرده می‌شود.

۲- و این حدیث، از یحیی بن ابی بکیر از المستلم بن سعید از الحجاج از ثابت از انس بن مالک هم روایت شده است که حدیثی است که آن را اهل علم مورد اعتماد به ما خبر داده‌اند: گفت ابو عمرو بن حمدان به ما خبر داد، گفت: ابو یعلی الموصلی به ما خبر داد، ابو الجهم الأزرق بن علی ذکر کرد از یحیی بن ابی بکیر، ذکر کرد از المستلم بن سعید از الحجاج از ثابت از انس بن مالک رضی الله عنه که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الْأَنْبِيَاءُ أَحْيَاءٌ فِي قُبُورِهِمْ يُصَلُّونَ»؛ «پیامبران زنده هستند در قبرهایشان نماز می‌خوانند».

۳- و این حدیث از وجهی دیگر هم از انس بن مالک رضی الله عنه به صورت موقوف روایت شده است که آن را امام ابو عثمان رحمته الله به ما خبر داده است از زاهر بن احمد، به ما خبر داد ابو جعفر محمد بن معاذ المالینی، ذکر کرد از الحسین بن الحسن ذکر کرد از مؤمل ذکر کرد از عبید الله بن ابی حمید الهذلی از ابی الملیح از انس بن مالک که گفت: «الْأَنْبِيَاءُ فِي قُبُورِهِمْ أَحْيَاءُ يُصَلُّونَ»؛ «پیامبران در قبرهایشان زنده هستند، نماز می‌خوانند».

۴- و روایت شده چنانکه ابو عبد الله الحافظ به ما خبر داد از ابو حامد احمد بن علی الحسنوی املاً ذکر کرد از ابو عبد الله محمد بن العباس الحمصی در حمص، ذکر کرد از ابو الربیع الزهرانی ذکر کرد از اسماعیل بن طلحه بن یزید از محمد بن عبد الرحمن بن ابی لیلی از ثابت از انس رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَا يَتْرَكُونَ فِي قُبُورِهِمْ بَعْدَ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، وَلَكِنَّهُمْ يُصَلُّونَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يُنْفَخَ فِي الصُّورِ»؛ «بی‌گمان پیامبران بیش از چهل شب در قبرهایشان رها نمی‌شوند،

بلکه بعد از آن در برابر الله عز وجل نماز می خوانند تا اینکه در شیپور دمیده می شود».

و این حدیث اگر با این لفظ صحیح باشد، پس مراد از آن والله اعلم این است که به حال خود رها نمی شوند و نماز نمی خوانند مگر به این اندازه، سپس در قبرشان در برابر الله عز وجل نماز می خوانند؛ چنانکه در حدیث اول روایت کردیم و نیز ممکن است که مراد از آن بلند کردن اجسادشان با ارواحشان باشد.

۵- و از سفیان الثوری در الجامع روایت شده که گفت: یک شیخ از ما از سعید بن المسیب روایت کرده که گفت: «مَا مَكَثَ نَبِيٌّ فِي قَبْرِهِ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً حَتَّى يُرْفَعَ، فَعَلَى هَذَا يَصِيرُونَ كَسَائِرِ الْأَحْيَاءِ، يَكُونُونَ حَيْثُ يُنْزِلُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»؛ «هیچ پیامبری در قبرش بیش از چهل شب مکث نمی کند، تا اینکه برداشته می شود و بنابر این همانند دیگر زندگان می شوند که هر جایی که الله عز وجل آنان را پایین آورد آنجا می روند».

چنانکه در حدیث معراج و غیر آن روایت کردیم که پیامبر ﷺ موسی علیه السلام را ایستاده در قبرش دید که نماز می خواند، سپس او را به همراه دیگر پیامبران علیهم السلام در بیت المقدس دید، سپس آنان را در آسمان ها دید و الله تبارک و تعالی هر چه که بخواهد انجام می دهد.

و برای حیات پیامبران صلوات الله علیهم، بعد از وفاتشان شواهدی از احادیث صحیح وجود دارد از جمله:

۶- آنچه است که ابو الحسین علی بن محمد بن عبد الله بن بشران در بغداد به ما خبر داد، اسماعیل بن محمد الصفار به ما خبر داد، محمد بن عبد الملك الدیقی ذکر کرد از یزید بن هارون، ذکر کرد از سلیمان التیمی از انس بن مالک رضی الله عنه از

بعضی از اصحاب پیامبر ﷺ که به او خبر داده‌اند که پیامبر ﷺ فرموده است: «لَيْلَةُ أُسْرِي بِهِ مَرَّ عَلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يُصَلِّي فِي قَبْرِهِ»؛ «در شب اسرا، بر موسی علیه السلام گذر کردم و او در قبرش نماز می‌خواند».

۷- و ابو الحسین بن بشران به ما خبر داد، اسماعیل به ما خبر داد، احمد بن منصور بن سیار الرمادی خبر داد، یزید بن ابی حکیم ذکر کرد از سفیان یعنی الثوری، ذکر کرد از سلیمان التیمی از انس بن مالک رَوَى عَنْهُ که گفت: پیامبر ﷺ فرمود: «مَرَرْتُ عَلَى مُوسَى وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي قَبْرِهِ»؛ «بر موسی گذر کردم و او ایستاده بود در قبرش نماز می‌خواند».

۸- ابو عبد الله الحافظ به ما خبر داد، ابو العباس محمد بن یعقوب ذکر کرد، محمد بن عبد الله بن المنادی، ذکر کرد از یونس بن محمد المؤدب، ذکر کرد از حماد بن سلمه، ذکر کردند سلیمان التیمی و ثابت البنانی از انس بن مالک رَوَى عَنْهُ که رسول الله ﷺ فرمود: «أَتَيْتُ عَلَى مُوسَى لَيْلَةَ أُسْرِي بِي عِنْدَ الْكُثَيْبِ الْأَحْمَرِ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي قَبْرِهِ»؛ «در شب اسری کنار توده‌ای خاک سرخ، موسی را دیدم که او در قبرش ایستاده بود نماز می‌خواند».

این حدیث را ابو الحسین مسلم بن الحجاج النیسابوری رَوَى عَنْهُ به روایت حماد بن سلمه از سلیمان التیمی و ثابت البنانی تخریج کرده، و به روایت الثوری و عیسی بن یونس و جریر بن عبد الله از التیمی تخریج کرده است.

۹- احمد بن ابی علی الحرشی به ما خبر داد، حاجب بن احمد خبر داد، محمد بن یحیی ذکر کرد، احمد بن خالد الوهبی ذکر کرد، عبد العزیز بن ابی سلمه از عبد الله بن الفضل الهاشمی ذکر کرد از ابی سلمه بن عبد الرحمن از ابو هریره رَوَى عَنْهُ که

گفت پیامبر ﷺ فرمود: «لَقَدْ رَأَيْتَنِي فِي الْحَجْرِ وَأَنَا أَخْبِرُ قُرَيْشًا عَنْ مَسْرَايَ، فَسَأَلُونِي عَنْ أَشْيَاءَ مِنْ بَيْتِ الْمَقْدِسِ لَمْ أَثْبِتْهَا، فَكُرْبْتُ كَرْبًا مَا كُرْبْتُ مِنْهُ قَطُّ، فَرَفَعَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِي أَنْظُرَ إِلَيْهِ، مَا يَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْبَأْتُهُمْ بِهِ، وَقَدْ رَأَيْتَنِي فِي جَمَاعَةٍ مِنْ الْأَنْبِيَاءِ، فَإِذَا مُوسَى قَائِمٌ يُصَلِّي، فَإِذَا رَجُلٌ ضَرْبُ جَعْدٍ كَأَنَّهُ مِنْ رَجُلٍ شَنْوَعَةٍ، وَإِذَا عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ قَائِمٌ يُصَلِّي أَقْرَبَ النَّاسِ بِهِ شَبَهًا عُرُوهُ بْنُ مَسْعُودٍ الثَّقَفِيُّ وَإِذَا إِبْرَاهِيمَ قَائِمٌ يُصَلِّي أَشَبَّهُ النَّاسِ بِهِ صَاحِبُكُمْ، يَعْنِي نَفْسَهُ، فَحَانَتِ الصَّلَاةُ، فَأَمَمْتُهُمْ، فَلَمَّا فَرَغْتُ مِنَ الصَّلَاةِ، قَالَ لِي قَائِلٌ: يَا مُحَمَّدُ هَذَا مَالِكٌ صَاحِبُ النَّارِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ، فَالْتَقَيْتُ إِلَيْهِ فَبَدَأَنِي بِالسَّلَامِ»؛ «در منزل خویش بودم که قریشیان دربارهٔ بیت المقدس در شب معراج از من چیزهایی پرسیدند که آنها را به خاطر نداشتم، به همین خاطر بسیار اندوهگین شدم به گونه‌ای که هرگز چنین اندوهی به من دست نداده بود. در این هنگام خداوند بیت المقدس را در جلوی چشمان من مجسم کرد و از هر چه پرسیدند به آنان جواب دادم. همچنین گروهی از پیامبران به من نشان داده شدند؛ موسی را مردی لاغر و محکم یافتم که به نماز قیام کرده بود و شبیه مردم شنوۀ بود. همچنین عیسی را دیدم که در حال خواندن نماز بود و بسیار به عروۀ بن مسعود شباهت داشت. ابراهیم نیز نماز می‌خواند و بسیار به من شبیه بود. چون وقت نماز فرار رسید برای آنان امامت کردم و زمانی از نماز فراغت یافتم گوینده‌ای گفت: این مالک دوزخ است؛ پس به وی سلام کن. و چون من به او نگاه کردم او ابتداءً به من سلام کرد».

مسلم در الصحيح از حدیث عبد العزیز آن را تخریج کرده است و در حدیث سعید بن المسيب و غیر او آمده که پیامبر آنان را در مسجد بیت المقدس ملاقات کرد و

در حدیث ابی ذر و مالک بن صعصعه در داستان معراج آمده که پیامبر ﷺ آنان را در بین جماعتی از پیامبران در آسمان‌ها ملاقات کرد و با آنان صحبت کرد و آنان هم با پیامبر صحبت کردند و همه اینها صحیح هستند و با همدیگر مخالفتی ندارند. چون موسی علیه السلام را ایستاده در قبرش دیده که نماز می‌خواند، سپس موسی و غیر او به سوی بیت المقدس برده شده‌اند همانطور که پیامبران برده شد و آنان را در آنجا دید. سپس آنان به سوی آسمان‌ها عروج دادند همانطور که پیامبران عروج کرد و آنان را در آنجا هم مشاهده کرد چنانکه در خبر آمده است.

و حلول آنان در وقت‌های مختلف و در مکان‌های مختلف عقلاً جایز است چنانکه خبر پیامبر صادق درباره‌اش وارد شده است و همه اینها دلالت بر حیات آنان دارد.

و آنچه که بر این موضوع دلالت دارد:

۱۰- آنچه است که محمد بن عبد الله الحافظ رَحِمَهُ اللهُ بِهِ ما خبر داد، ابو العباس محمد بن یعقوب ذکر کرد، ابو جعفر احمد بن عبد الحمید الحارثی ذکر کرد، الحسین بن علی الجعفی ذکر کرد، عبد الرحمن بن یزید بن جابر ذکر کرد از ابی الأشعث الصنعانی از اوس بن اوس السقفی رَحِمَهُ اللهُ بِهِ گفت: رسول الله ﷺ به من گفت: «أَفْضَلُ أَيَّامِكُمْ يَوْمُ الْجُمُعَةِ: فِيهِ خُلِقَ آدَمُ، وَفِيهِ قُبِضَ، وَفِيهِ النَّفْخَةُ، وَفِيهِ الصَّعْقَةُ، فَأَكْثَرُوا عَنِّي مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ»، قَالُوا: وَكَيْفَ تُعْرَضُ صَلَاتُنَا عَلَيْكَ وَقَدْ أَرَمْتَ؟ يَقُولُونَ بَلِيَّتْ، فَقَالَ: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ عَلَى الْأَرْضِ أَنْ تَأْكُلَ أَجْسَادَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»؛ «بهترین روزهای شما روز جمعه است، در آن روز خداوند آدم علیه السلام را آفرید، و در روز جمعه فوت کرد، و در روز جمعه فرشته در صور (شیپور) می‌دمد، و در این روز صعقه (یعنی مردن تمامی انسان‌ها) خواهد بود، پس در این

روز بر من درود و صلوات بسیار بفرستید، چون درود و صلوات شما بر من عرضه خواهد شد. گفتند: چگونه صلوات ما بر شما عرضه می‌شود در حالی که بدن شما می‌پوسد، و می‌گویند به خاک تبدیل شدی. پیامبر ﷺ فرمود: خداوند بر زمین حرام کرده است که اجساد انبیاء را از بین ببرد».

ابو داود السجستانی در کتاب السنن آن را تخریج کرده و برای آن شواهدی وجود دارد؛ از جمله:

۱۱- آنچه است که ابو عبد الله الحافظ به ما خبر داد، ابو بکر بن اسحاق الفقیه ذکر کرد، احمد بن علی الأبار ذکر کرد، احمد بن عبد الرحمن بن بکار الدمشقی ذکر کرد، الولید بن مسلم ذکر کرد، ابو رافع برایم تعریف کرد از سعید المقبری از ابی مسعود الأنصاری رضی الله عنه از پیامبر ﷺ که فرمود: «اَكْثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ، فَإِنَّهُ لَيْسَ يُصَلَّى عَلَيَّ أَحَدٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِلَّا عَرِضَتْ عَلَيَّ صَلَاتُهُ»؛ «در روزه جمعه بسیار بر من صلوات بفرستید، برای اینکه هیچ کس نیست که در روز جمعه بر من صلوات بفرستد مگر اینکه صلوات او بر من عرضه می‌شود».

۱۲- و علی بن احمد بن عبدان الکاتب به ما خبر داد، احمد بن عبید الصفار ذکر کرد، الحسن بن سعید ذکر کرد، ابراهیم بن الحجاج ذکر کرد، حماد بن سلمه ذکر کرد از یزید بن سنان از مکحول الشامی از ابی امامه رضی الله عنه که گفت: رسول الله ﷺ فرمود: «اَكْثَرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ، فَإِنَّ صَلَاةَ أُمَّتِي تُعَرِّضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ، فَمَنْ كَانَ أَكْثَرَهُمْ عَلَيَّ صَلَاةً كَانَ أَقْرَبَهُمْ مِنِّي مَنْزِلَةً»؛ «در همه روزهای جمعه بسیار بر من صلوات بفرستید، برای اینکه صلوات اُمّت در همه روزهای جمعه بر من

عرضه می‌شود، پس هر کدامشان که صلوات بیشتری بر من فرستاده باشد منزلت و جایگاه نزدیکی به من دارد».

۱۳- ابو الحسن علی بن محمد بن علی السقاء الإسفرائینی به ما خبر داد گفت پدرم ابو علی برایم تعریف کرد، ابو رافع اسامه بن علی بن سعید الرازی در مصر ذکر کرد، محمد بن اسماعیل بن سالم الصایغ ذکر کرد، حکامه دختر عثمان بن دینار برادر مالک بن دینار برایمان تعریف کرد، گفت: ابی عثمان بن دینار برایم تعریف کرد از برادرش مالک بن دینار از انس بن مالک خدمتکار پیامبر ﷺ که گفت: پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ أَقْرَبَكُمْ مِنِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ أَكْثَرُكُمْ عَلَيَّ صَلَاةً فِي الدُّنْيَا، مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مِائَةً مَرَّةً فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَلَيْلَةِ الْجُمُعَةِ قَضَى اللَّهُ لَهُ مِائَةَ حَاجَةٍ، سَبْعِينَ مِنْ حَوَائِجِ الْآخِرَةِ وَثَلَاثِينَ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا، ثُمَّ يُؤْكَلُ اللَّهُ بِذَلِكَ مَلَكًا يُدْخِلُهُ فِي قَبْرِ كَمَا يُدْخَلُ عَلَيْكُمُ الْهَدَايَا، يُخْبِرُنِي مَنْ صَلَّى عَلَيَّ بِاسْمِهِ وَنَسَبِهِ إِلَى عَشِيرَتِهِ، فَأُثْبِتُهُ عِنْدِي فِي صَحِيفَةٍ بَيَّضَاءَ؛ «نزدیک‌ترین شما به من در روز قیامت در همه اقامت‌گاه‌های قیامت، کسی است که در دنیا بیشتر بر من صلوات فرستاده باشد. هرکس در روز و شب جمعه صد مرتبه بر من صلوات بفرستد خداوند صد حاجت او را برآورده می‌کند، هفتاد تا از حاجت‌های آخرت و سی تا از حاجت‌های دنیا. سپس خداوند فرشته‌ای را به آن صلوات می‌گمارد و آن را داخل قبرم می‌آورد همانطوری که هدایا برای شما آورده می‌شود، آن فرشته از کسی بر من صلوات فرستاده است با ذکر اسم و نسب تا عشیره آن شخص به من خبر می‌دهد و اسم او را در صحیفه‌ای سفید در نزد خودم به ثبت می‌رسانم».

و در همین معنا، حدیثی است که آن را ابو علی الحسین بن محمد الروذباری به ما خبر داده است، ابو بکر بن داسه به ما اطلاع داد، ابو داود ذکر کرد از احمد بن صالح که گفت: عبد الله بن نافع بر من قرائت کرد گفت: به من خبر داد ابن ابی ذئب از سعید المقبری از ابو هریره رضی الله عنه که گفت: «لَا تَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قُبُورًا، وَلَا تَجْعَلُوا قُبُورِي عِيْدًا، وَصَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُ»؛ «خانه‌هایتان را قبرستان قرار ندهید، و قبر من را عیدگاهی قرار ندهید و بر من صلوات بفرستید برای اینکه هر جا که باشید صلوات شما به من ابلاغ می‌شود».

۱۵- و در همین معنا، حدیثی است که آن را ابو محمد عبد الله بن یحیی بن عبد الجبار السکری در بغداد به ما خبر داده است از اسماعیل بن محمد الصفار، ذکر کرد از عباس بن عبد الله الترقفی، ذکر کرد از ابو عبد الرحمن المقری، ذکر کرد از حیوة بن شریح از ابی صخر از یزید بن عبد الله بن قسیط از ابو هریره رضی الله عنه که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ رُوحِي حَتَّى أَرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ»؛ «هیچ کس نیست که بر من سلام کند مگر اینکه خداوند روحم را برمی‌گرداند تا اینکه سلامش را پاسخ بدهم».

و همانا والله اعلم منظورش این بوده که خداوند روحم را به من بر می‌گرداند تا سلامش را پاسخ دهم.

۱۶- و در همین معنا، حدیثی است که آن را ابو القاسم علی بن الحسن بن علی الطهمانی به ما خبر داده است، ذکر کرد از ابو الحسن بن محمد بن محمد الکارزی ذکر کرد از علی بن عبد العزیز، ذکر کرد از ابو نعیم، ذکر کرد از سفیان از عبد الله بن السائب از زاذان از عبد الله بن مسعود رضی الله عنه که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ

لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَلَائِكَةٌ سَيَّاحِينَ فِي الْأَرْضِ يُبَلِّغُونِي عَنْ أُمَّتِي السَّلَامَ»؛ «بی گمان خداوند عزوجل فرشتگانی دارد که در زمین گردنش می کنند و سلام اُمّت را به من ابلاغ می کنند (می رسانند)».

۱۷- و ابو الحسین بن بشران و ابو القاسم عبد الرحمن بن عبید الله الحرقی به ما خبر دادند، گفتند: حمزة بن محمد بن العباس به ما خبر داد، ذکر کرد از احمد بن الولید، ذکر کرد از ابو احمد الزبیدی، ذکر کرد از اسرائیل از ابی یحیی از مجاهد از ابن عباس رضی الله عنه که گفت: «لَيْسَ أَحَدٌ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي عَلَيْهِ صَلَاةً إِلَّا وَهِيَ تَبْلُغُهُ، يَقُولُ لَهُ الْمَلَكُ: فَلَانُ يُصَلِّي عَلَيْكَ كَذَا وَكَذَا صَلَاةً»؛ «هیچ کس از اُمّت محمد صلی الله علیه و آله نیست که بر پیامبر صلواتی بفرستد مگر اینکه آن صلوات به پیامبر ابلاغ می شود، فرشته ای به پیامبر می گوید: فلانی به چنین و چنان شکل بر تو صلوات فرستاد».

۱۸- علی بن محمد بن بشران به ما خبر داد، ابو جعفر الرزاز به ما اطلاع داد از عیسی بن عبد الله الطیالسی، ذکر کرد از العلاء بن عمرو الحنفی، ذکر کرد از ابو عبد الرحمن از الأعمش از ابی صالح از ابی هریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عِنْدَ قَبْرِي سَمِعْتُهُ، وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ نَائِيًا مِنْهُ أُبْلِغْتُهُ»؛ «هرکس کنار قبرم بر من صلوات بفرستد آن را می شنوم، و هرکس از راه دور بر من صلوات بفرستد».

و این ابو عبد الرحمن، همان محمد بن مروان السّدی است و درباره اش جای نظر است ولی آنچه که این حدیث را تأکید کند پیشتر گذشت.

۱۹- و ابو عبد الله الحافظ به ما خبر داد، ابو عبد الله الصّفار به ما اطلاع داد، ذکر کرد از ابو بکر بن ابی الدنیا که سوید ابن سعید برایم تعریف کرد، ابن ابی الرجال از

سليمان بن سحيم براييم تعريف كرد كه گفت: «رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي النَّوْمِ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْتُونَكَ فَيَسْلَمُونَ عَلَيْكَ، أَتَفْقَهُ سَلَامَهُمْ؟ قَالَ: "نَعَمْ، وَأَرَدْتُ عَلَيْهِمْ"؛ «پيامبر ﷺ را در خواب ديدم و گفتم: اى رسول الله اين كسانى كه نزد تو مى آيند و بر تو سلام مى كنند آيا متوجه سلامشان مى شوى؟ فرمود: آرى و جواب سلامشان را هم مى دهم».

۲۰- و آنچه بر حیات پیامبران دلالت دارد آنچه است که ابو عبد الله محمد بن عبد الله الحافظ به ما خبر داده است: به من خبر داد ابو محمد المزى ذکر کرد از على بن محمد بن عيسى، ذکر کرد از ابو اليمان، خبر داد شعيب از الزهرى كه گفت: ابو سلمه بن عبد الرحمن و سعيد بن المسيب به من خبر دادند از ابو هريره رضي الله عنه كه گفت: دو نفر كه يكي مسلمان و ديگرى يهودى بود، يك ديگر را دشنام دادند. مسلمان گفت: سوگند به ذاتى كه محمد صلى الله عليه وسلم را بر تمام جهانيان برگزيده است. يهودى گفت: سوگند به ذاتى كه موسى را بر تمام جهانيان برگزيده است. در اين هنگام، مسلمان دستش را بالا برد و يك سيلى به صورت يهودى زد. يهودى نزد پيامبر صلى الله عليه وسلم رفت و آنچه را كه پيش آمده بود، به اطلاع ايشان رساند. پيامبر صلى الله عليه وسلم آن مسلمان را به حضور طلبيد و از او در اين باره پرسيد. مسلمان نيز ماجرا را تعريف كرد. رسول خدا صلى الله عليه وسلم فرمود: «لَا تُخَيِّرُونِي عَلَى مُوسَى، فَإِنَّ النَّاسَ يُضَعِّقُونَ، فَأَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يُفِيْقُ، فَإِذَا مُوسَى بَاطِشٌ مُتَعَلِّقٌ بِجَانِبِ الْعَرْشِ فَلَا أَدْرِي أَكَانَ فِيمَنْ صُعِقَ فَأَفَاقَ قَبْلِي، أَوْ كَانَ مِمَّنِ اسْتَشْنَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»؛ «مرا بر موسى ترجيح ندهيد. زيرا همه مردم روز قيامت بيهوش مى شوند، من نيز همراه آنها بيهوش مى شوم و اولين كسى هستم كه به هوش مى آيم

و موسی را می بینم که گوشهٔ عرش را با دست گرفته است. ولی نمی دانم که او از کسانی است که بیهوش شده و قبل از من به هوش آمده است یا از کسانی است که خداوند او را استثناء نموده است (اصلاً بیهوش نشده است).»

بخاری آن را در الصحيح از ابی الیمان روایت کرده و مسلم آن را از عبد الله بن عبد الرحمن روایت کرده است و غیر او آن را از ابی الیمان روایت کرده اند.

و در حدیث الثابت از الأعرج از ابو هریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که ایشان فرمود: «لَا تَقْضُلُوا بَيْنَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ تَعَالَى، فَإِنَّهُ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى، فَأَكُونُ أَوَّلَ مَنْ بُعِثَ، أَوْ فِي أَوَّلِ مَنْ بُعِثَ فَإِذَا مُوسَى أَخَذَ بِالْعَرْشِ، فَلَا أَدْرِي أَحْسَبَ بِصَعْقَةِ يَوْمِ الطُّورِ أَمْ بُعِثَ قَبْلِي؛» «پیامبران الله متعال را بر یک دیگر برتری ندهید، زمانی که در شیپور دمیده می شود هر آنچه که در آسمان ها و در زمین است می میرد مگر آن کسی را که الله بخواهد، سپس باری دیگر در شیپور دمیده می شود و من اولین کسی هستم که برانگیخته می شوم. ناگهان موسی را می بینم (پایه ای از) عرش را گرفته است، اما نمی دانم که در بیهوشی روز طور با او محاسبه شده یا پیش از من برانگیخته شده است.»

و این تنها زمانی می تواند صحیح باشد که خداوند جل ثناؤه، ارواح پیامبران علیهم السلام را به آنان بازگرداند، پس آنان همانند شهیدان در نزد پروردگارشان زنده هستند، و زمانی که در شیپور برای بار اول دمیده می شود، بیهوش می شوند (و می میرند) هر آنکه می میرد. همچنین این مردن، مردنی نیست که در همهٔ معانی مردن باشد، بلکه فقط در از دست رفتن شعورشان است، برای اینکه موسی علیه السلام از کسانی است که خداوند عزوجل او را با این فرموده اش: ﴿إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ﴾

مستثنی کرده است. پس خداوند عزوجل در این حالت شعور او را از بین نبرده است و او را در بیهوشی روز طور محاسبه کرده است.

و گفته می‌شود که شهدا از جمله کسانی هستند که خداوند عزوجل با این فرموده‌اش: ﴿إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ﴾ آنها را مستثنی کرده است و درباره‌اش خبری مرفوع را روایت کرده‌ایم که آن خبر به همراه اخبار دیگر در کتاب «البعث والنشور» ذکر شده است. وبالله التوفیق. انتهای کتاب حیات پیامبران علیهم الصلاة والسلام.

والحمد لله رب العالمین وصلواته علی سیدنا محمد وآله وسلم تسلیما